

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[تلگراف]

تاریخ ۱۵ اردیبهشت ۱۳۷۱

ریاست محترم شورای عالی قضائی جناب آقای یزدی میدان ارک

رونوشت: ریاست محترم رهبری

رونوشت: مقام محترم ریاست جمهوری

رونوشت: ریاست محترم کمیسیون اصل ۹۰ مجلس

احتراما مرقوم میدارد

همسر اینجانب آقای بهمن سمندری فرزند عزیزالله شماره شناسنامه [حذف شده] متولد سال ۱۳۱۸ در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۷۰ به دادستانی انقلاب اسلامی واقع در خیابان معلم احضار گردید. ساعت دو بعد از ظهر همان روز تلفنی اطلاع دادند که شوهرم بازداشت گردید و سؤال مرا که به چه عنوان و جرم پاسخ نگفتند و ارتباط را قطع نمودند. در روز ۲۸ اسفند ۱۳۷۰ جهت کسب اطلاع و دادن دارو و لباس و پول به دادستانی مراجعه نمودم و خواستار ملاقات با یکی از مسئولین امر گردیدم. ولی تنها مرا به قسمت اطلاعات راه دادند و گفتند چنین شخصی با مشخصات فوق اینجا نیست و به زندان اوین مراجعه کنید و از قبول وسایل و دارو خودداری کردند و تأکید کردند که بعد از تعطیلات نوروزی به اوین مراجعه نمایید. در تاریخ ۵ فروردین ۱۳۷۱ بعد از دو بار مراجعه به دفتر زندان اوین در دفاتر آنجا نامی از شوهر من ثبت نگردیده بود و مسئول مربوطه گفت بروید دادستانی به آنجا رفته باز جواب قبل را تکرار نموده و در پی درخواست قبول دارو مصرفی جهت بیماری همسرم گفتند که ما در اینجا خودمان پزشک داریم ولی زندانی شما اینجا نیست بروید بعد از تعطیلات نوروز بیایید. در روز ۸ فروردین ۱۳۷۱ به دادستانی رفتم مرا به قسمت اجرای احکام یک معرفی نموده به آنجا رفتم و خود مسئول قسمت در مورد علت بازداشت گفت ما حکم را به شخص ذینفع ابلاغ میکنیم گفتیم از همسر شخص چه کسی ذینفع تر است گفتند شما بعد از تعطیلات بیایید و حتما به همراه یک مرد مراجعه کنید و دو بار هم بر این موضوع تأکید نمودند. در پی اصرار بنده که جویای حال شوهرم بودم گفت اصرار نکنید و بروید بعد از تعطیلات ماه رمضان بیایید. در روز ۱۶ فروردین ۱۳۷۱ به اتفاق پسر من به دادستانی رفتم مسئول مربوطه گفت بروید با یکی از اقوام مرد خود بیایید نه با فرزند خود. همان روز عصر با یکی از آشنایان مراجعه کردیم که اینمترتبه مرا به قسمت اجرای احکام راه ندادند دوست مزبور تنها به اجرای احکام مراجعه کرد و در مقابل سؤال وی از وضع همسر فرد مسئول از کشوی میز خود وصیتنامه همسر را بدست ایشان داد که تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۷۰ بر روی آن خورده بود. روز ۱۷ فروردین ۱۳۷۱ به بهشت زهرا مراجعه نمودم دفاتر آنجا روز دفن جسد را ۳۰ اسفند ۱۳۷۰ نشان میداد. روز ۱۸ فروردین ۱۳۷۱ به دادستانی رفتم در جواب سؤال من که به چه علت شوهر مرا کشته‌اید بجای جواب با درشتی به من پرخاش نمودند و تنها یک کیف پول خالی و یک عینک شکسته از لوازم شوهرم را بمن تحویل دادند و گفتند که این تمام وسایل شوهر شما است.

حال من و پسر و دختر نه ساله‌ام که عزیزترین افراد در زندگی خود یعنی همسر و پدرشان را از دست داده‌ایم از آن مقام تقاضای رسیدگی بموارد زیر را مینمایم.

۱- به چه علت شوهر مرا در روز ۲۷ اسفند ۱۳۷۰ احضار و در آخرین ساعات اداری روز ۲۸ اسفند که تمام کشور تعطیل میگردد بدون رأی شورای عالی قضائی کشته‌اند.

۲- موارد جرم او چه بوده که باید با چنین سرعتی اعدام گردد.

- ۳- عدم تحویل جسد و مخفی نگهداشتن محل دفن او تا به حال چه دلیلی داشته است.
- ۴- تحت کدام یک از قوانین عرف و شرع من و دو فرزندم از ابتدائی‌ترین حقوق انسانی که با خبر شدن از وضعیت شوهرم از تاریخ ۲۷ فروردین [اسفند] ۱۳۷۰ الی ۱۶ فروردین ۱۳۷۱ می‌باشد محروم شدیم.
- ۵- عدم تطابق تاریخ ورقه فوت و وصیتنامه را [ناخوانا] زیرا ورقه فوت در تاریخ ۲۷ اسفند صادر شده و تاریخ وصیتنامه ساعت ۳ بعد از ظهر ۲۸ اسفند ۱۳۷۰ می‌باشد حال چگونه فردی که زنده نیست می‌تواند وصیتنامه خود را تنظیم کند و یا اگر تاریخ وصیتنامه صحیح است پس چرا روز فوت در گواهی ۲۷ اسفند ۱۳۷۰ ذکر و قید شده است. در خاتمه از آن مقام محترم تقاضای رسیدگی هر چه سریعتر را مینمایم و بدون تردید حکم بین ما و شما در این ماجرای غم‌انگیز خداوند عادل و قادر و توانا می‌باشد.

همسر مرحوم بهمن سمندری

روزا محبوبی شماره شناسنامه [حذف شده]

[آدرس] [حذف شده]

[زیر تلگراف]

[مُهر اداره مخابرات شمیرانات]

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]